



مقطع تحصیلی: کاردانی ■ کارشناسی □ رشته: معماری داخلی ترم: اول سال تحصیلی: ۱۳۹۸-۱۳۹۹

نام درس: جامعه شناسی عمومی نام و نام خانوادگی مدرس: مرضیه ذوالفقاری

آدرس email مدرس: marzieh.zolfaghari@gmail.com تلفن همراه مدرس: ۰۹۱۲۹۳۰۴۱۸۹

جزوه درس جامعه شناسی عمومی مربوط به هفته : دهم ■

text: دارد ■ ندارد □ voice: دارد □ ندارد ■ power point: دارد □ ندارد ■

تلفن همراه مدیر گروه: ۰۹۱۹۴۴۴۲۰۰۴

تحلیل جمعیت: جمعیت شناسی

مطالعه جمعیت را جمعیت شناسی می نامند. این اصطلاح حدود یک و نیم قرن پیش ابداع شد. یعنی در زمانی که کشورها شروع به گردآوری آمارهای رسمی درباره مشخصات و توزیع جمعیت خود کردند.

جمعیت شناسی با اندازه گیری حجم جمعیت ها و تبیین افزایش و کاهش آن ها سروکار دارد. الگوهای جمعیتی تحت سیطره سه عامل اند: موالید، مرگ و میر و مهاجرت. رسم بر این است که جمعیت شناسی را شاخه ای از جامعه شناسی محسوب می کنند زیرا عوامل موثر بر سطح موالید و مرگ و میر و همین طور مهاجرت در هر گروه یا جامعه معینی عمدتاً عوامل اجتماعی و فرهنگی هستند.

قسمت اعظم کار جمعیت شناسی معمولاً شامل تحلیل های آماری است. امروزه بیشتر کشورها اقدام به گردآوری و تحلیل آمارهای پایه درباره جمعیت خود از طریق انجام سرشماری ها (پیمایش های منظمی که برای شناخت جمعیت یک کشور معین طراحی می شود) می کنند. با همه نظم و دقتی که روش های کنونی گردآوری داده ها دارند، حتی در کشورهای صنعتی نیز آمارهای جمعیتی کاملاً دقیق نیستند. در بریتانیا هر ده سال یک بار سرشماری فراگیر و کاملی روی جمعیت انجام می گیرد و مطالعه های نمونه ای نیز مرتباً اجرا می شود. اما به دلایل گوناگون افرادی هستند که در آمارهای رسمی جمعیت ثبت نمی شوند. از جمله مهم ترین این افراد مهاجران غیرقانونی، بی خانمان ها و افرادی هستند که اقامت موقتی دارند.



در بسیاری از کشورهای کم تر توسعه یافته، خصوصا کشورهایی که رشد جمعیت بالایی دارند؛ آمارهای جمعیتی بسیار نامطمئن هستند. برای نمونه، بعضی از جامعه‌شناسان برآورد کرده‌اند که زاد و ولدها و مرگ و میرهای به ثبت رسیده در هند ممکن است فقط نشانگر حدود سه چهارم ارقام واقعی باشد.

مفاهیم پایه در جمعیت شناسی

نرخ خام موالید: تعداد موالید زنده هر سال در هر هزار نفر از جمعیت است. نرخ موالید خام آماری بسیار کلی است که برای انجام مقایسه‌های عمومی بین گروه‌ها، جوامع و مناطق سودمند است.

باروری: تعداد فرزندان زنده‌ای که زنان به لحاظ زیست شناسی قادر به زایش آنها هستند.

نرخ خام مرگ و میر: تعداد مرگ و میر در هر هزار نفر از جمعیت در هر سال است.

مرگ و میر: تعداد متوفیان در یک جمعیت محسوب می شود.

نرخ مرگ و میر نوزادان: تعداد نوزادانی که در طول یک سال و پیش از رسیدن به سن یک سالگی می میرند.

امید به زندگی: تعداد سال‌هایی که هر فرد معمولی امید به زیستن دارد. امید به زندگی در طول قرن گذشته در اکثر جوامع افزایش یافته است.

طول عمر: حداکثر تعداد سال‌هایی که یک فرد می تواند زندگی کند.

پویای تغییر جمعیت

نرخ‌های رشد یا افت جمعیت با تفریق تعداد مرگ و میرها در هر هزار نفر از تعداد زاد و ولدها در هر هزار نفر در طول دوره معینی (که معمولا دوره یک ساله را مبنا قرار می دهند) محاسبه می شود. نرخ‌های رشد جمعیت در برخی از کشورهای اروپایی منفی است. به عبارت دیگر جمعیت این کشورها رو به کاهش می رود. تقریبا همه کشورهای



صنعتی نرخ رشد زیر یک درصد را دارند. امروزه برخی از کشورهای کم تر توسعه یافته نرخ‌های رشدی بین ۲ تا ۳ درصد را دارند. شاید این نرخ‌ها چندان متفاوت با نرخ‌های رشد جمعیت در کشورهای اروپایی به نظر نرسد؛ اما حقیقت این است که تفاوت بسیار زیادی بین آن‌ها وجود دارد. زیرا دلیل این امر آن است که جمعیت بصورت تصاعدی رشد می‌کند.

انتقال جمعیتی

جمعیت‌شناسان غالباً تغییراتی را که در نسبت موالید به مرگ و میر در کشورهای صنعتی و از قرن نوزدهم به بعد رخ داده را انتقال جمعیتی می‌نامند. این فکر را نخستین بار وارن اس تامپسون مطرح کرد و فرایندی سه مرحله‌ای را توصیف کرد که طی آن همراه با رسیدن جوامع به سطح پیشرفته‌ای از توسعه اقتصادی نوعی از ثبات جمعیتی سرانجام جای خود را به نوع دیگری از ثبات جمعیتی می‌داد.

مرحله اول به اوضاع و شرایط اکثر جوامع سنتی اطلاق می‌شود که در آن هم میزان موالید و هم میزان مرگ و میر بالا است. در این کشورها مخصوصاً نرخ مرگ و میر نوزادان زیاد است. در این شرایط اگر جمعیت هم رشدی داشته باشد رشد اندکی است زیرا فراوانی تعداد موالید با سطح مرگ و میرها کم و بیش جبران می‌شود.

مرحله دوم که در اوایل سده نوزدهم در اروپا و ایالات متحده امریکا آغاز شد؛ هنگامی به وقوع پیوست که میزان مرگ و میر کاهش یافت ولی باروری همچنان زیاد بود. در این مرحله شاهد رشد زیاد جمعیت هستیم. پس از آن مرحله سوم از راه می‌رسد. در این مرحله همراه با توسعه صنعتی، نرخ موالید رو به کاهش می‌رود و به سطحی می‌رسد که جمعیت دوباره نسبتاً ثبات می‌یابد.

جمعیت‌شناسان درباره اینکه چگونه باید این تغییرات متوالی را تفسیر کنند یا اینکه مرحله سوم احتمالاً چقدر طول خواهد کشید، اتفاق نظر ندارند. باروری در کشورهای غربی در طول قرن گذشته کاملاً ثابت و پایدار نبوده است.



تفاوت‌های قابل توجهی بین میزان باروری در کشورهای صنعتی و همچنین بین طبقه‌های اجتماعی یا مناطق گوناگون داخل این کشورها وجود داشته است. با این حال عموماً پذیرفته می‌شود که این مراحل سه گانه توصیف درستی از دگرگونی عمده‌ای است که در سیمای جمعیتی جوامع مدرن رخ داده است.

نظریه انتقال جمعیتی با اندیشه‌های مالتوس مستقیماً در تضاد است. از نظر مالتوس افزایش رفاه و رونق اقتصادی خود به خود موجب افزایش جمعیت می‌شود. در حالیکه فرضیه انتقال جمعیتی بر این نکته تأکید می‌کند که توسعه اقتصادی ناشی از صنعت‌گرایی عملاً به تعادل جدیدی در ثبات جمعیت منجر می‌شود.